گزارش

اکسپوی دوم تهران در پاییز برپا می‌شود

شرق: چهارشنبه هفته گذشته مدیران ۹۶ گالری تهران با عبدالمجید حسینی‌راد رئیس مرکز هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران جلسه‌ای داشتند و در آن جلسه قرار شد که دومین اکسپوی تهران در پاییز سال جاری برگزار شود. اکسپوی پیشین دو سال قبل برگزار شد و نهادهای دولتی از مهمترین خریداران آثار هنری بودند. آثار نقاشی، مجسمه‌سازی، خوشنویسی و . . . از گالری‌های مختلف در آن اکسپو کنار هم قرار گرفتند و تعداد زیادی از آثار فروخته شد. بنابه قانونی که مجلس شورای اسلامی تصویب کرده است، نهادهای دولتی می‌توانند نیم‌درصد از محل بودجه‌های عمرانی خود را صرف خرید این آثار کنند. یکی از خریداران دوره قبلی اکسپوی تهران وزارت صنایع بود که خرید خوبی کرد ولی بعد از گذشت مدتی آثار را پس فرستاد و پولی بابت آنها نپرداخت.

مژگان والی‌پور مدیر گالری والی و از شورای برگزاری اکسپوی اول، ایرادهای اکسپوی نخست را می‌داند اما عقیده دارد که برگزار شدن و راه افتادن اکسپو مهم‌تر از ایرادهای آن است. اولین ایرادی که او به اکسپوی اول می‌گیرد چنین است: «مکان مناسب نبود و عده‌ای از همکاران جای بدی داشتند.»

اکسپوی اول در تالار وحدت برگزار شده بود اما برپاکنندگان قصد داشتند که اکسپو را در جای بهتری (مثلاً نمایشگاه بین‌المللی تهران) برپا کنند.

ایراد دیگری که والی‌پور به برگزاری اکسپوی اول می‌گیرد، بالا بردن بهای آثار بود: «برخی از هنرمندان فکر می‌کردند چون بیشتر خریداران دولتی هستند، می‌توانند قیمت‌ها را بالا ببرند.» گویا بعد از مدتی و با مذاکرات «علیرضا سمیع‌آذر» مدیر وقت موزه هنرهای معاصر و رئیس آن زمان مرکز هنرهای تجسمی رقم‌ها به آنچه در واقعیت است، نزدیک شد.

لیلی گلستان مدیر گالری گلستان به این معضل از سوی دیگری نگاه می‌کند: «جوانی که بهای کارش از هشتاد هزار تومان به هشتصد هزار تومان تغییر کرده بود، حالا دیگر نمی‌تواند سرش را بالا بیاورد و کارش را با همان بهای قبلی بفروشد.»

گلستان ایرادات دیگری هم به برگزاری اولین اکسپو می‌گیرد: «تعدادی از آثار گم‌شده است. خریدار می‌گوید که به دست آنها نرسیده و ما هم کارها را تحویل وزارت ارشاد داده‌ایم.» و ایرادی دیگر: «تخفیف‌های بدون مشورت و اجازه

گالری‌دار دادند. هیچ فاکتور فروشی هم به ما نداده بودند.»

و ایراد دیگر: «وزارت مسکن ۲۰ درصد بهای خرید را نپرداخته بود و در جلسه روز چهارشنبه شورای برگزاری به ما گفت که وزارت مسکن دوسوم آن پول را پرداخته است و شورا منتظر است تا یک‌سوم باقی‌مانده را هم بگیرد و بعد به گالری‌دارها بپردازد. به چه دلیل شورا ما را از رسیدن دوسوم پول بی‌اطلاع گذاشته است؟»

مژگان والی‌پور در این خصوص گفت: «ما ۱۶ میلیون تومان از باقی‌مانده پول را وصول کردیم و منتظر هشت میلیون تومان باقی‌مانده هستیم تا کل پول گالری‌دارها را بپردازیم.»

علی فرامرزی عضو دیگر شورای اکسپوی تهران نیز می‌گوید که همه آثار فروخته نشده را به صاحبان آن پس داده‌اند. فرامرزی همچنین درباره تخفیف‌هایی که شورا به خریداران داده بود، گفت: «گاهی با گالری‌دارها مشورت می‌شد، اما گاهی خرید تا یک‌ونیم بعد از نیمه شب طول می‌کشید و امکان مشورت کردن نبود.» والی‌پور نیز قبول دارد که بهتر بود این تخفیف‌ها با مشورت گالری‌دارها انجام می‌شد اما او به نکته دیگری اشاره می‌کند: «ما می‌خواستیم که نهادهای دولتی حتماً از ما خرید کنند تا این حرکت نهادینه شود.» او به نمایشگاه کتاب اشاره می‌کند که حالا بعد از گذشت سال‌ها به رویدادی همیشگی و نهادینه شده تبدیل شده است و می‌توان به گسترش آن فکر کرد.

همه ایرادهایی که از آن صحبت شد در جلسه روز چهارشنبه بیان شد و رئیس مرکز هنرهای تجسمی در پاسخ گفت که این ایرادها به دوره مدیریت قبلی مربوط است و او نباید پاسخگوی این مسائل باشد.

لیلی گلستان: «زمانی که ما با وزارت ارشاد طرف هستیم با یک نهاد دولتی روبه‌رو هستیم و نه فردی که با عوض شدن پستش دیگر نتوان منتظر پاسخگویی بود.» و توضیحات مژگان والی‌پور: «مسائل مطرح شده، خیلی کوچک بودند.»

به گفته فرامرزی اکسپوی دوم تهران، در پاییز برگزار می‌شود و با استعفای اعضای شورای دوم، قرار است که شورای جدید انتخاب شوند. او که سخنگو و مدیر فروش اولین اکسپوی تهران بود، اعلام کرد کل فروش آن دوره که طلبش وصول شده، ۶۲۰ میلیون تومان است. او همچنین گفت که انتخاب و ارسال آثار به عهده گالری‌دارها بوده و هیچ توصیه‌ای به آنها نشده است.

آلبوم‌های دیوارهای خالی

آیا می‌دانید جنبه‌های بصری تهران هم متولی دارد؟

فرناز شهیدثالث

«تغییراتی که در بخش مدیریت به‌وجود می‌آید، باعث شده مهمترین فعالیت ما اثبات کردن خودمان باشد تا بتوانیم مجموعه‌مان را حفظ کنیم.»

چه کسانی لازم است خودشان را اثبات کنند؟ پاسخ: مسئولان اداره نقاشی دیواری و گرافیک شهری سازمان زیباسازی شهری و متخصصانی که از پنج سال پیش دور هم جمع شده‌اند تا به گرافیک شهرمان کمک کنند و چهره‌ای دلپذیرتر و دوست‌داشتنی‌تر به آن بدهند. یکی از اهدافشان هم این است که بتوانند صفت «زشت‌ترین پایتخت جهان» را که یکی از پژوهشگران آمریکایی- مغرضانه یا غیرمغرضانه نمی‌دانیم!- به تهران الصاق کرده، از دنباله آن پاک کنند.

اما تصور نکنید تمام طرح‌ها و نقاشی‌هایی که روی جاهای خالی عمودی شهر کشیده شده، زیر نظر اداره نقاشی دیواری انجام شده است. حتی تصور نکنید مسئولان این اداره با تمام رنگ‌آمیزی‌های تهران موافق هستند و آنها را تائید می‌کنند و باز هم تصور نکنید دست متخصصان این اداره برای اجرای طرح‌های پیشنهادی خودشان باز است. اداره نقاشی دیواری و گرافیک شهری سازمان زیباسازی شهری شهرداری تهران داستانی به بلندی عنوان خود دارد.

■ کی، کی، کجا

«سیدمحمود شعیبی» مدیر اداره نقاشی دیواری، از همان سال‌های تحصیل در رشته نقاشی به تصاویری که به عنوان نقاشی‌های دیواری در گوشه و کنار شهر می‌دیده فکر می‌کرده و فکر می‌کرده که آیا راهی برای بالابردن کیفیت این نقاشی‌ها وجود دارد؟ بالاخره در سال ۱۳۸۰ به سازمان زیباسازی می‌رسد و تلاش می‌کند در حوزه اختیارات خود بخشی قانونمند و کارا به‌نام اداره نقاشی دیواری و گرافیک شهری به‌وجود آورد. پیش از این تاریخ، شهرداری به‌طور جدی با حوزه دیوارهای قابل دید شهر درگیر نبوده و عابران پیاده و سواره‌ای هم که چشم به دیوارها داشته‌اند تنوع چندانی در محل رفت و آمد خود نمی‌دیده‌اند. آنهایی که عمرشان به پیش از سال ۵۷ قد می‌دهد، شاید در گوشه و کنار نقاشی‌هایی را دیده باشند که استادان و هنرمندانی چون هانیبال الخاص، بهرام دبیری، مسعود عربشاهی یا ایرج اسکندری آرام‌آرام به چهره شهری آن روزها که اینقدر «پر دیوار» نبوده، می‌نشاندند. بعد از انقلاب حرکت هنرمندان کند شد و در فاصله کوتاه باقی مانده تا آغاز جنگ ایران و عراق آثاری تحت‌تاثیر انقلاب‌های مردمی دنیا، مثل انقلاب روسیه یا مکزیک روی دیوارها شکل گرفت.

سپس تاریخ‌مان به نقطه‌ای رسید که اگر چه امروز در تبلیغات پر سر و صدای رسانه‌ها و سیاست‌ورزان و صلح‌طلبان دنیا هیچ جایی ندارد و انگار کسی هیچ لحظه‌ای از این تاریخ هشت ساله را ندیده است که برای آن جایی در مجموعه جنگ‌های خلیج فارس در نظر بگیرد یا در مورد آن سئوال کوتاهی از صدام حسین بکند، اما برای ایران روزهایی فراموش نشدنی است. روزهایی که عزیزان بسیاری را از دست دادیم و بعد به فکر پیدا کردن راه‌هایی افتادیم تا یاد آنها را ماندگار کنیم. مثل مردم کشورهای دیگری که سال‌ها پیش درگیر جنگ شده‌اند و کتیبه نام شهیدانشان هنوز بر سر شهرهایشان مانده است. همین مسئله بود که هنرمندان ایرانی به‌ویژه آنهایی را که در حوزه هنری گرد هم آمده بودند، بر آن داشت تا در طول همان سال‌های جنگ دیوارهایی را به‌جای خالی دوستان شهید خود اختصاص دهند. «شعیبی» پایان این روند را حدود سال ۶۷ می‌داند. بعد از آن «نقاشی دیواری کم‌کم خاموش شد» معدود کارهایی هم که انجام شده: «بدون رعایت قانون و زیرساخت‌های لازم انجام می‌شد و ارگان یا واحد خاصی برای نهادینه‌کردن قانون‌ها وجود نداشت.» به این ترتیب همان آثاری هم که گاه اجرا می‌شدند، طرح‌های شخصی هنرمندانی چون فیروزه گل‌محمدی بودند.

برای مسئولان امروز آرزوی محالی وجود دارد و ای‌کاش‌های گذشته که «اگر شرایط سازمانی امروز، آن زمان وجود داشت و جا افتاده بود، نقاشی دیواری شهدا هم نظم و ترتیبی می‌گرفت و این چنین بدون مدیریت و نظم و برنامه عمل نمی‌شد.»

زمان، بعد از مدتی شهر تهران را به دست غلامحسین کرباسچی داد. در زمان کرباسچی شهرداری با سرعت و قدرت شروع به تغییر دادن چهره شهر کرد. این قدرت و سرعت، به عقیده «شعیبی» اولین صدمه را به هنرهای شهری و بعد به مدیریت شهری وارد کرد. به چه دلیل؟ شعیبی: «چون بنیاد شهید بلافاصله احساس کرد باید از تصاویر شهدا دفاع کند. به همین دلیل در هر مکانی که صلاح دیدند تصویرهایی نقاشی کردند. سرعت آنقدر بالا بود که برای بعضی از دیوارها دو یا سه روز بیشتر وقت صرف نشد.» سپاه و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های امام خمینی و بنیاد مستضعفان و جانبازان هم وارد میدان شدند تا بنیاد شهید به تنهایی امضای خود را پای همه دیوارها نگذارد.

همان سال‌های دهه ۷۰ بود که برای جلوگیری از اجرای آثار سست و بی‌پایه بخشنامه‌هایی صادر شد، فیلترگذاری‌هایی انجام شد و سکوتی اتفاق افتاد. سکوتی که به عقیده «شعیبی» بد نبوده و به شهر فرصت تنفس داده است.

■ اداره نقاشی راه افتاد

اداره نقاشی دیواری در سال ۱۳۸۰ تاسیس شد تا شاید بتواند با هماهنگ‌کردن فعالیت‌های ظاهرسازانه در شهر، چهره آن را یکدست کند. دو سال اول فعالیت مسئولان این اداره به مطالعه و بررسی شرایط موجود گذشت. آیین‌نامه‌ای تدوین شد تا هر کسی در هر زمانی و به هر دلیلی سر و کارش به اداره نقاشی افتاد بتواند طبق قانون و ضابطه‌ای مشخص رفتار کند و با دستورهای سلیقه‌ای روبه‌رو نشود. شعیبی به یاد می‌آورد: «در سال‌های ۸۳ و ۸۴ فراخوان‌هایی منتشر کردیم که هم اعلام موجودیت کرده باشیم و هم شرایط کار را توضیح دهیم.»

استقبال دانشجوهای نقاشی از این طرح بیشتر از دیگران بوده. این دانشجوها یا افراد دیگری که علاقه‌مند به نقاشی کردن هستند، به اداره مراجعه می‌کنند و قوانین و ضوابطی که شعیبی و همکارانش در مرحله فعالیت‌های مطالعاتی خود در چند صفحه تنظیم کرده‌اند در اختیارشان قرار می‌گیرد. در صورت توافق کارشان را شروع می‌کنند. یعنی مسابقه‌ای در کار نیست. در این چند صفحه در مورد هدف فعالیت‌های اداره توضیح داده شده، توضیحات فنی آمده است و در مورد آلبومی که باید تهیه و ارائه شود نکات لازم گفته شده تا هنرمند، دیواری را که برای ارائه کارش مناسب می‌بیند انتخاب کند. «ما آلبومی از دیوارهای خالی در اختیار هنرمندان می‌گذاریم. خودشان هم می‌توانند دیوار مدنظرشان را معرفی کنند. اگر از نظر مسئولان شهرداری مشکلی وجود نداشته باشد یا شخص دیگری پیش از آن، دیوار را پیشنهاد نکرده باشد، دیوار یک تا دو ماه برای هنرمند حفظ می‌شود.»

هیچ‌کدام از مسئولان یا اعضای شورای پنج‌نفره تخصصی اداره نقاشی دیواری با این تفکر که «هر دیوار خالی و قابل دیدنی برای نقاشی دیواری مناسب است» موافق نیستند. قرار نیست از کنار هر دیواری که رد می‌شویم منظره یا چهره‌ای ببینیم. هدف اصلی این متخصصان «ترویج هنرهای شهری» است که با زیبایی شهر و آرامش شهروندان در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد. برای رسیدن به این هدف، رویکردهای مختلفی وجود دارد که شعیبی آنها را به بخش‌های فرهنگی، مذهبی، ملی و همچنین اقتصادی- تبلیغاتی و هنری- تژئینی تقسیم می‌کند و اضافه می‌کند که: «متاسفانه در بسیاری موارد این رویکردها به جای «هدف» در نظر گرفته می‌شوند.» مثلاً در جایی که به تبلیغات شهری، به‌عنوان یکی از نشانه‌های تصویری و گرافیکی شهر، تنها به چشم راهی برای تامین درآمد نگاه می‌شود و تبلیغ‌گذاران شهر، صدای دیگرانی را نمی‌شنوند که هر روز می‌گویند «آه، یک متر دیگر از شهر هم فروخته شد!» اقتصاد یا تبلیغات دیگر رویکردی برای استفاده زیبا از فضای شهر محسوب نمی‌شود. یا در مورد رویکرد مذهبی: در سال‌های پیش این طور تصور شده که برای گرامی داشتن یاد شهدا باید چهره آنها را روی دیوار کشید. در طول زمان، کشیدن تصویر شهدا به هدف تبدیل شد. شعیبی می‌گوید: «بالاخره توانستیم بنیاد شهید، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های امام و نهادهای دیگر را مجاب کنیم که زبان امروز، زبان استعاره است. زمان اشاره مستقیم و عادی گذشته و تاثیری که دیدن چهره ۳۳ هزار شهید استان تهران در مردم می‌گذارد، تاثیر موردنظر ما نخواهد بود.»

بعد از این توضیح‌ها و تحلیل‌ها، متخصصان اداره نقاشی دیواری توانسته‌اند پروژه‌هایی را تعریف کنند که ارزش‌های مورد قبول جامعه را به صورت نمادین به تصویر می‌کشد: «اما از بین ۶۷ پروژه‌ای که تعریف کرده‌ایم تنها یک مورد در خیابان شهیدگمنام انجام شده است. طرحی به نام «عروج» که با کاشی‌کاری روی هفت دیوار متوالی، پروانه‌ای را نشان می‌دهد که در زندانی مثلثی شکل گرفتار شده و عابران با حرکت ده- پانزده‌ثانیه‌ای از مقابل این دیوارها، آزاد شدن پروانه را به چشم می‌بینند.» در این مورد هم: «هیچ‌گونه حمایتی نبود. اما به هر حال کار انجام شد. طرح‌های دیگری هم هستند. مثلاً طرح چهل شهید شاخص تهران که خیابان‌های تهران به نام آنها است. از دو سال‌ونیم پیش تا به حال، هنوز نتوانسته‌ایم کار را شروع کنیم.» و لبخندی، نه از سر رضایت، که یعنی: «این از یادمان شهدایمان. قصه طرح‌های دیگر را خودتان بخوانید.»

دلیل این همه تاخیر و مانع، همان «اثبات وجود»ی است که هیچ ربطی به فلسفه و خودشناسی و خداشناسی ندارد و بیشتر به سلیقه مسئولان برمی‌گردد.

■ کجای کاریم؟

«شعیبی» جهت پیشرفت تجربه جهانی در زمینه مدیریت شهری را به سمت هنری شدن می‌بیند. مدیریتی کاملاً علمی و زیرساختی. در حالی که: «در اداره نقاشی دیواری ضابطه‌مندی به وجود آوردیم، اساسنامه تنظیم کردیم و شورای تخصصی تشکیل دادیم. اما به هیچ‌کدام از این تلاش‌ها وقعی گذاشته نمی‌شود. اصل را بر این گذاشته‌اند که اگر کاری انجام نشود هم اتفاق خاصی نمی‌افتد.» به همین دلیل است که با هر تغییر مدیریت در شهرداری او و اعضای گروه باید ذهن مدیر جدید را در مورد لزوم وجود چنین بخشی توجیه کنند. او می‌خواهد از مسئولان شورای شهر بپرسیم که تا به حال چقدر در جهت پیشبرد اهداف این اداره تلاش کرده‌اند و چقدر برایشان مانع بودند و اینکه آیا تا به حال جلسه‌ای با آنها گذاشته‌اند؟ این سئوال را از «خسرو دانشجو» عضو کمیسیون عمران شورای شهر تهران می‌پرسم. توضیح می‌دهد که ارتباط شورای شهر با مسئولان سازمان زیباسازی ارتباطی است که در قانون تعریف شده: «به لحاظ اداری و اجرایی هیچ دخالتی در امور آنها نداریم. ارتباط ما با مدیران بخش اجرایی شهرداری بر طبق قانون بیشتر نظارتی و تقنینی است و در هیچ یک از تصمیمات اجرایی دخالت نداریم.» شورای شهر همچنین در تامین یا تخصیص بودجه‌ها هم مداخله نمی‌کند و تنها: «اگر شکایت یا اعتراضی در این مورد باشد به آن رسیدگی می‌کنیم.»

البته «دانشجو» از وجود بخشی به نام اداره نقاشی دیواری و گرافیک شهری سازمان زیباسازی چندان مطمئن نیست و در توضیحاتش می‌گوید: «اگر چنین اداره‌ای باشد به این شیوه عمل می‌کنیم.»

> **نکته**
>
> **۱- تمام طرح‌ها و نقاشی‌هایی که روی جاهای خالی عمودی شهر کشیده شده، زیر نظر اداره نقاشی دیواری انجام نشده است. حتی تصور نکنید مسئولان این اداره با تمام رنگ‌آمیزی‌های تهران موافق هستند و آنها را تائید می‌کنند و باز هم تصور نکنید دست متخصصان این اداره برای اجرای طرح‌های پیشنهادی خودشان باز است.**
>
> **۲- شعیبی می‌گوید: «بالاخره توانستیم بنیاد شهید، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های امام و نهادهای دیگر را مجاب کنیم که زبان امروز، زبان استعاره است. زمان اشاره مستقیم و عادی گذشته و تاثیری که دیدن چهره ۳۳ هزار شهید استان تهران در مردم می‌گذارد، تاثیر موردنظر ما نخواهد بود.»**

■ در آینده

«شعیبی» حرف‌های زیادی در مورد طرح‌ها و فعالیت‌هایی که تا به حال انجام شده یا قرار است انجام شود دارد. پیش از این هم حرف‌های زیادی در مورد مشکلات سازمان به مجلات مختلف هنری زده است که به گفته خودش به جایی نرسیده. برای سال ۸۵ هم برنامه‌های زیادی دارد که همه بلاتکلیف مانده‌اند. می‌پرسم آیا با این همه رفت و آمدی که می‌گوید در حوزه مدیریت انجام می‌شود، نگران از دست دادن پستش نیست؟

«من فوق‌لیسانس نقاشی دارم و به شغل فعلی‌ام هم به عنوان پست نگاه نمی‌کنم. آن را یک پروژه ارزشمند هنری در سطح شهر می‌بینم که در طول دوران تحصیل هم فکرم را مشغول کرده بود. امروز هم که مدیر این اداره هستم روی تخصصی کردن و ضابطه‌مند کردن فعالیت‌ها تاکید می‌کنم. سعی دارم ارتباطم را با جوان‌ها قوی کنم تا حداقل ده سال آینده موقعیت بهتری داشته باشیم و شرایطی وجود داشته باشد که با احترام به همه استادان و حفظ شأن استادی آنها بتوانم سراغ شان بروم.»

■ دو شورای تخصصی

با همین شرایط موجود که متخصصان زیبایی شهری آن را مطلوب نمی‌دانند و غیرمتخصصان هم آثار چندان مطلوبی نمی‌بینند، تعدادی از تحصیلکرده‌ها و استادان هنرهای تجسمی به عضویت شورای تخصصی اداره نقاشی درآمده‌اند تا حداقل از کیفیت آثاری که زیر نظر این اداره انجام می‌شود مطمئن باشند. «اصغر کفشچیان‌مقدم، حسینی‌راد (رئیس مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ایرج اسکندری، رضا خدادادی و ایرج زند» اعضای این شورای پنج‌نفره هستند که هر کدام سابقه کار در این حوزه را هم دارند.

برای آشنا شدن با دیدگاه این شورا و نگاهشان به آثار هنری شهر با یکی از اعضای شورا صحبت کردم. «اصغر کفشچیان‌مقدم» که تا مقطع دکترای هنرهای تجسمی تحصیلکرده و اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران است، کیفیت نقاشی‌های دیواری را از سه زاویه مختلف بررسی می‌کند: «مواد و مصالح، بیان کیفی و نگاه کلان‌تر که به کیفیت شهرسازی می‌پردازد.» در مورد کیفیت مواد و مصالح می‌گوید: «نقاشی‌ها و کاشی‌های دیواری می‌توانند بسیار ماندگار باشند. همانطور که ما کاشی‌کاری‌هایی داریم که قدمت‌شان به دوره ساسانی می‌رسد، اما متاسفانه بسیاری از آثار دوره ما به ویژه بعضی از آثاری که زیر نظر بنیاد شهید اجرا شده به وسیله رنگ یا پارچه و با کیفیت بسیار پایین انجام شده‌اند.»

نکته دوم مورد نظر او «مطالعات منطقه‌ای» است: «مناطق مختلف شهر تهران، فرهنگ و کلام و زبان خاص خود را می‌طلبد. بنابراین باید محیط‌شناسی، مخاطب‌شناسی و فرهنگ‌شناسی انجام شود تا بدانیم در هر مکانی با چه تصویری بیشترین تاثیر را خواهیم گذاشت.» به‌ویژه در مورد نسل جوان که: «با بعضی ارزش‌های نسل پیش آشنا نیستند و در بسیاری موارد، نشناختن این مخاطب جوان، تاثیر منفی آثار انجام شده را بیشتر از تاثیر مثبت آن کرده است.» به عقیده او غلط‌ترین فهم ما از هنر دیواری این است که هر دیواری را دیدیم به فکر نقاشی دیواری بیفتیم و بلافاصله سراغ «تکریم شهدا» برویم: «پیش از این، هدف زنده نگه داشتن یاد شهدا بود و به زیباسازی شهر توجهی نمی‌شد. به همین دلیل کارهای کلان و زمان‌دار انجام نشده است.» نکته سوم همان که اهمیت بیشتری دارد، به شهرسازی مربوط می‌شود: «نقاشی‌ها و تابلوهای تبلیغاتی در بسیاری موارد آلودگی تصویری ایجاد کرده‌اند و حق بصری مردم را از آنها گرفته‌اند.»

باز هم صحبت از «هیچ کجای دنیا» است که در آن هیچ اتفاق مشابهی نمی‌افتد. برای مثال در خیابان‌ها و محورهای اصلی هیچ کجای دنیا تصاویر و تبلیغات در ابعادی چنین گسترده چشم‌نوازی نمی‌کنند. کفشچیان که خود تحصیلکرده فرانسه است، تهران را با شهرهای بزرگ اروپایی مقایسه نمی‌کند. حتی بیروت و استانبول را هم مثال نمی‌زند: «ما باید سال‌ها بدویم تا به حداقل استانداردی که در کشورهای عربی همسایه یا کشور پاکستان وجود دارد برسیم.» به عقیده او زمان آن رسیده که دولت تصمیمی جدی بگیرد و سازمانی واحد را متولی مجوز دادن به بخش‌هایی که به نحوی با فضای بصری شهر در ارتباط هستند بکند. سازمانی که همه نهادها و بنیادهای دیگر به آن اعتماد داشته باشند: «ظاهراً سازمان زیباسازی باید متولی این امر باشد. اما عدم تمرکز مدیریت باعث شده بخش‌های مختلفی، به دلخواه در بعد تصویری شهر تاثیر بگذارند. این عدم تمرکز از مدارس شروع می‌شود که در آن: «برای یک کتاب درسی از ده‌ها متخصص آموزش کمک می‌گیرند اما به دیوارها که می‌رسیم هر مدیری به خودش اجازه می‌دهد گرگ ناقلا و هری پاتر یا هر چیزی که دلش می‌خواهد برای بچه‌ها نقاشی کند»، تا می‌رسد به نماهای معماری و ویترین مغازه‌ها که نقش دیوار دارند و بدون هیچ مجوز و ضابطه‌ای به دلخواه ساخته می‌شوند.

برای اینکه ببینیم مسئولان شهرهای بزرگ دنیا چگونه روی تصاویر شهر حاکمیت می‌کنند، سراغ فرانسه می‌رویم که در آن: «شورایی هست برای حفاظت از حق بصری مردم. هیچ کاری بدون اجازه این شورا انجام نمی‌شود. شورا هم برای ۱۰ سال آینده برنامه مدون دارد و تعیین می‌کند که در چه زمانی، در چه مکانی، چه تغییری صورت خواهد گرفت.» سازمان زیباسازی شهرداری هم برنامه‌های مدونی دارد اما به گفته مسئولانش برای برنامه‌ها «ضمانت اجرایی» وجود ندارد و حمایتی از آن صورت نمی‌گیرد. اگر حمایت‌های لازم انجام شود، ما هم می‌توانیم مثل اجدادمان که از هزاره‌های پیش تا همین سده گذشته میراث کاشی‌کاری و نقاشی دیواری برایمان به یادگار گذاشته‌اند عمل کنیم. یا نه، حداقل شهری خوش آب و رنگ‌تر ببینیم. برای جلب همین حمایت است که مسئولان اداره نقاشی به شهردار قالیباف نامه‌ای نوشته‌اند و فعلاً در حال صبر کردن هستند تا ببینند نتیجه چه می‌شود. هنرمندان ما البته به این صبر کردن خو گرفته‌اند و به صبر بلندشان لبخند می‌زنند. کفشچیان مقدم هم لبخند می‌زند که: «امیدوارم اشتباه کرده باشم، اما به نظر می‌رسد در این دوره چندان توجهی به هنر نمی‌شود. ظاهراً فوتبال از همه چیز مهم‌تر است.» او امیدوار است زمانی که فوتبال نتیجه مطلوب گرفت و همه چیز روبه‌راه شد، گوشه‌چشمی هم به هنر کنند، که اگر امروز نامی در دنیا داریم از تخت جمشید است و میدان نقش‌جهان و البته «تهران» که هنوز به عنوان زشت‌ترین پایتخت جهان معرفی می‌شود.

گالری‌گردی

بافته‌های بنی‌اسدی

هلیا قاضی‌میرسعید

محمدعلی بنی‌اسدی سال ۱۳۳۴ در سمنان متولد شد. او دارای مدرک مجسمه‌سازی از هنرستان کمال‌الملک، مدرک انیمیشن از کانون پرورش فکری کودکان، کارشناسی هنرهای تجسمی و کارشناسی ارشد تصویرسازی از دانشکده هنرهای زیبا و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، عضو شورای برنامه‌ریزی و برگزاری تمامی دوره‌های دوسالانه‌های کاریکاتور و تصویرگری و . . . است. از بنی‌اسدی تاکنون بیش از ۸۵ کتاب برای کودکان منتشر شده است. او از اول همین هفته نقاشی‌ها، طراحی‌ها، و مجسمه‌هایش را در نگارخانه ممیز در خانه هنرمندان ایران به نمایش گذاشته است. بنی‌اسدی که به دنبال سبک خاصی نیست، می‌گوید: «تصور می‌کنم سبک به معنای قدیم آن دیگر وجود ندارد و نقاش دنیای شخصی خودش را در آثارش به تصویر می‌کشد.» او تاکنون در پنج نمایشگاه انفرادی و بیش از ۱۶ نمایشگاه گروهی داخلی و ۱۱ نمایشگاه خارجی شرکت داشته و جوایزی را هم از آن خود کرده که از آن جمله می‌توان به دیپلم افتخار و مدال نمایشگاه کاریکاتور یومیوری شیمبون ژاپن، دیپلم افتخار نمایشگاه کاریکاتور بوردیرا ایتالیا، جایزه ویژه هیات داوران نمایشگاه کاریکاتور انگله فرانسه، تندیس هانس کریستین آندرسن از جشنواره روز جهانی کودک (بزرگداشت هانس کریستین آندرسن) و . . . اشاره کرد. این مجموعه شامل ۳۱ طراحی، ۱۱ تابلوی نقاشی و ۱۲ مجسمه است که در طول دو سال با استفاده از ابزاری چون اکریلیک و قلم خلق شده‌اند. در نقاشی‌های او رنگ و نوشته‌ها نقش اساسی را ایفا می‌کنند. نوشته‌هایی که از شنیده‌های او سرچشمه گرفته و به تصاویر موجود در کارهایش بافته شده‌اند. این نمایشگاه تا هجدهم اردیبهشت هر روز از ساعت ۱۰ الی ۲۰ برای بازدید علاقه‌مندان دایر خواهد بود.

■ **نقاشی‌ها هم پرواز می‌کنند**

گالری اثر این روزها میزبان آثار نقاشی‌ای به نام «بهار بهبهانی» است که خودش در آمریکا اقامت دارد و نقاشی‌هایش را به کمک دوستی به تهران رسانده تا نمایشگاهی در وطنش برگزار کند. بهار بهبهانی سال ۱۳۵۲ در تهران متولد شده و دارای مدرک کارشناسی ارشد نقاشی است. او در بیش از ۳۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی در آسیا، اروپا و آمریکا شرکت داشته است. بابک اطمینانی، نقاش و استاد دانشگاه که برای تماشای این نمایشگاه آمده بود، می‌گوید: «تکنیک خوب و روانی دارد. کارها لطیف و زنانه هستند و در کلیه آثار به احساسات زنانه اشاره شده است. نقاشی‌ها اکثراً در ابعاد یک متر در یک و نیم متر و بعضی‌ها سه تکه‌ای هستند اما قرار گرفتن این قسمت‌های سه‌تایی در کنار هم معنای پیوسته‌ای را در ذهن بیننده ایجاد نمی‌کند.» یکی از بازدیدکنندگان می‌گوید: «به نظر من اگر این کارها مستقل به نمایش درمی‌آمد می‌توانست معنایی داشته باشد اما با هم بودن آنها برای من مفهومی ندارد.» تصویری از طبیعت و رنگ‌های ملایم که احساس خوشایندی هم در بیننده ایجاد می‌کند، از ویژگی‌های نقاشی‌های بهبهانی است. اطمینانی معتقد است که: «در خلق آثار بفروش هم توجه شده است و نقاش دغدغه‌های شخصی را کنار گذاشته است و این را از بزکی که در کارهایش مشاهده می‌شود می‌توان فهمید.» این نمایشگاه از ۸ تا ۲۰ اردیبهشت از ساعت ۱۱ تا ۲۰ برپاست.

■ **۳۶۰درجه**

حتماً شما هم وب‌سایت TEHRAN24 را دیده‌اید. ساسان توکلی نامی آشنا برای علاقه‌مندان به عکاسی است. او در مسابقه عکس «کوچه‌های شمیران» مقام دوم را کسب کرده است. او تیتراژ سریال‌ها و فیلم‌های بسیاری چون: او یک فرشته بود، متهم گریخت، وفا، راه شب، مربای شیرین، شهرآشوب و . . . را کار کرده است. او این روزها در گالری خاک آثارش را با موضوع طبیعت برای بازدید عموم به نمایش گذاشته است. توکلی در سفرهایی که به سرتاسر ایران داشته عکس‌هایی از طبیعت و تاریخ این مرز و بوم ثبت کرده است که در ۵ سال گذشته این ۳۰۰ هزار قطعه عکس را در سایت خود برای دوست‌داران آثارش به معرض دید گذاشته است. به گفته خودش ۷۰ درصد بازدیدکنندگان سایت از خارج از کشور هستند. او دو سال است که در کارهایش از تکنیک ۳۶۰ استفاده می‌کند در حالی که این روش در حدود یک سال است که در اروپا استفاده می‌شود. توکلی معتقد است: «با ورود دوربین‌های دیجیتال به بازار ایران وضعیت عکاسی به کلی تغییر کرد. در سال ۲۰۰۰ برای فرستادن عکس روی اینترنت مشکلات فراوانی وجود داشت. اما امروزه با کیفیت و حجم بالایی که دوربین‌های دیجیتال دارند به راحتی می‌توان عکس‌های زیبایی از ایران را به جهانیان نشان داد.» این اولین نمایشگاهی است که او برپا کرده و در واقع تک‌عکس‌هایی مرتبط از مجموعه آثار اوست که بسیاری از آنها از داخل ماشین گرفته شده است. او که خود عکاسی را به صورت تجربی آموخته است، می‌گوید: «دوربین‌های دیجیتال خودشان به نوعی معلم هستند چون به محض گرفتن عکس شما می‌توانید آن را ببینید و به ایراد کار خود پی ببرید.» نمایشگاه عکس‌های این هنرمند تا ۲۰ اردیبهشت ادامه دارد.